

رابرت وانوی، مبانی پیشگویی کتاب مقدس، سخنرانی ۲۲

عاموس ۹:۱۱-۱۵

عاموس ۹:۱۱-۱۵ و عده برکت آینده

ما به عاموس ۹:۱۱-۱۵ نگاهی خواهیم انداخت که درباره بخش چهارم کتاب است: «و عده برکت آینده.» در اینجا عاموس در برابر پیشینه بسیاری از اعلامیه‌های پیشین داوری، نکته‌ای از امید را مطرح می‌کند. بحث‌های زیادی در مورد دو سوال مربوط به این بخش پایانی کتاب وجود داشته است

اول، سوال اصالت آن، یعنی اینکه آیا این بخش به خود عاموس نسبت داده می‌شود یا چیزی است اصالت ۱. که در زمان‌های بعدی به کتاب پیوست شده است؟ استدلالی که توسط کسانی که اصالت را زیر سوال می‌برند، استفاده می‌شود، می‌گوید پیشینه تاریخی مورد اشاره، پیشینه تاریخی زمان عاموس نیست. وضعیتی که در آیات پایانی نشان داده شده است این است که یهودا اکنون توسط بابلی‌ها به اسارت گرفته شده است

علاوه بر این، باور این موضوع دشوار است که در زمانی که سلسله داوود پابرجا بود، به مردم دستور داده شده بود که به دنبال بازسازی «کلبه فروریخته» او، بستن «رخنه‌های آن»، برپا کردن «خرابه‌هایش» و بازسازی آن «مانند ایام قدیم» باشند (آیه ۱۱). (به عبارت دیگر، در بخش پایانی، دیدگاه تغییر می‌کند؛ و مسئله شبیه به مسئله نویسندگی اشعیا می‌شود

یادتان هست وقتی در مورد اشعیا در مورد بازگشت اسرائیل صحبت می‌کردیم، در مورد این موضوع بحث کردیم؟ بنابراین، همین خط استدلال اینجا استفاده می‌شود. در پاسخ، خیلی خلاصه می‌گویم که فکر می‌کنم مطمئناً می‌توان پرسید که چرا یک پیامبر ممکن است وقوع آنچه را که پیش‌بینی کرده بود، پیش‌فرض نگیرد؟ عاموس می‌گوید که شما به اسارت فراتر از دمشق خواهید رفت. او می‌گوید ساختمان‌های شما نابود خواهند شد. جنگجویان شما فرار خواهند کرد. چرا عاموس، که سقوط اورشلیم را در ۲: ۴-۵ پیشگویی کرد، نمی‌توانست وقوع این اتفاق را پیش‌فرض بگیرد و سپس فراتر از آن را ببیند. به عبارت دیگر، به نظر من این خط استدلال قانع‌کننده‌ای نیست و بنابراین نباید هیچ شکی در مورد صحت این بخش آخر کتاب وجود داشته باشد.

سوالاتی در مورد تفسیر عاموس ۹: ۱۱-۱۵. ۲.

اما، من فکر نمی‌کنم که این مسئله به اندازه مسئله دوم اهمیت داشته باشد. مسئله دوم، سوال تفسیری در مورد چگونگی درک شما از عاموس ۹:۱۱-۱۵ است. چگونه باید آیات ۱۱ تا ۱۵ در فصل ۹، از جمله استفاده یعقوب از آیات ۱۱ و ۱۲ در شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵ را تفسیر کنیم؟ به نظر من در اینجا یک سوال دو طرفه وجود دارد. چگونه می‌توانیم آنچه را که او در اینجا گفته و استفاده یعقوب از آن در شورای

اورشلیم را درک کنیم؟ اما همچنین به طور درونی‌تر به عاموس ۹:۱۱-۱۵: چه رابطه‌ای در تفسیر آیات ۱۱ و ۱۲ این متن با تفسیر آیات ۱۳ و ۱۵ وجود دارد؟ به عبارت دیگر، آیا این متن واحدی است که اساساً در مورد یک چیز صحبت می‌کند، یا نوعی گسست بین ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۵ وجود دارد؟ چگونه ۱۱ و ۱۲ را به ۱۳-۱۵ ربط می‌دهید؟

جی.ای. موتیر در مورد عاموس ۹:۱۱-۱۵ می‌گوید: «عاموس ۹:۱۱-۱۵ و اعمال رسولان ۱۲:۱۵-۱۹ حکومت جهانی مسیح داوودی یک ویژگی نبوی همیشگی است و به طور برجسته در مزامیر سلطنتی حضور دارد. استعاره جنگی در بسیاری از این متون، البته باید بر اساس... به عبارت او در اینجا توجه کنید، «پادشاهی خداوند عیسی مسیح و گسترش تبلیغی کلیسا.» (این تفسیری است که عهد جدید در اعمال رسولان ۱۲:۱۵-۱۹ مجاز دانسته است.) به عبارت دیگر، وقتی یعقوب در مباحث شورای اورشلیم از عاموس ۹ نقل قول می‌کند، عاموس ۹ را به عنوان سخنی از پادشاهی خداوند عیسی مسیح در بازسازی کلبه فروریخته داوود و گسترش تبلیغی کلیسا تفسیر می‌کند. این یک تفسیر نسبتاً رایج است که در بسیاری از مقالات شما نیز آمده است.

آلیس در عهد عتیق، در کتاب «پیشگویی و کلیسا»، درباره عاموس ۹ می‌گوید: «شاید بهترین متن در عهد جدید برای سنجش صحت روش تفسیر تدبری کتاب مقدس باشد.» بنابراین آلیس یک ناهزار مگرا است و به شدت با روش تفسیر تدبری مخالف است.

به یادداشت‌های اسکافیلد قدیمی در اعمال رسولان ۱۵ توجه کنید، به عبارتی که در مورد استفاده از آیه ۹ باب عاموس در اعمال رسولان ۱۵ آمده است: «از نظر تدبیری، این مهمترین متن در عهد جدید است.» بنابراین، از نظر تدبیری این بحث و همچنین از نظر ناهزار مگرایی این بحث، برای من جالب است که اختلاف نظر مربوط به این متن بسیار مهم است.

این متن به شیوه‌ی جی.ای. موتیر و اوتا آلیس و بسیاری از اعضای مکتب تفسیر ناهزاره‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. نتایجی که از این متن در عهد جدید گرفته شده است، سپس برای پشتیبانی از تفاسیر مشابه از پیشگویی‌های پادشاهی دیگر عهد عتیق به عنوان ارجاعاتی به کلیسا استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، اگر همانطور که او در عاموس ۹ آیه ۱۲ می‌گوید: «آنها می‌توانند باقی‌مانده‌ی ادوم را تصرف کنند» و در اعمال رسولان ۱۵ می‌گوید: «تصرف باقی‌مانده‌ی ادوم» (به این صورت اصلاح شود): «تا باقی‌مانده‌ی انسان‌ها خداوند را بجویند» (در آیه ۱۷). اگر این تفسیری از عبارت عاموس باشد، می‌توان گفت که شما یک تفسیر مجازی از آن عبارت در مورد ادوم دارید که توسط شورای اورشلیم تصویب شده است.

حال، خط استدلالی که توسط طرفداران این دیدگاه توسعه یافته است به شرح زیر است. دیدگاه ناهزاره‌ای

اولاً، در آیه ۱۱ از عاموس ۹، برافراشتن خیمه داوود که فرو ریخته است، به عنوان اشاره‌ای به قدرت مسیح به عنوان پسر داوود در زمان کنونی موعظه انجیل در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، آیه ۱۱ می‌گوید: «در آن روز، خیمه فروریخته داوود را برپا خواهیم کرد، ویرانه‌های آن را تعمیر خواهیم کرد و آن را بنا خواهیم نمود.» این سخن درباره مسیح است و در زمان کنونی موعظه انجیل تحقق یافته است. ثنودور لاچ اظهار می‌دارد: «او کلبه فروریخته را برپا خواهد کرد و آن را به جلالی بسیار فراتر از بالاترین شکوه سابقش خواهد رساند... این در روزگار مسیح تحقق یافت. عیسی و حواریون کار خود را با فراخواندن گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل به توبه آغاز کردند. در میان این گروندگان از یهودیان، بدون شک تعدادی از اعضای ده قبیله وجود داشتند. در کلیسای عهد جدید، شکافی که پادشاهی شمالی و جنوبی اسرائیل را از هم جدا می‌کند، التیام خواهد یافت.» بنابراین تحقق آن برای ظهور اولیه و تأسیس کلیسا در انجیل‌های اولیه است.

کتاب پیشگویی و کلیسا، در عهد عتیق، آلیس می‌گوید: «عبارت «من خیمه داوود را که افتاده در است، برپا خواهیم کرد» به پادشاهی داوود در آینده اشاره نمی‌کند.» همچنین هیچ ارتباطی با قیام خاندان داوود در ارتباط با مسیح در ظهور دوم ندارد. این ظهور اول است و به پادشاهی داوود در آینده اشاره نمی‌کند. خاندان داوود، پادشاهی قدرتمند داوود و سلیمان، به سطح یک «غرفه» حقیر تنزل یافته بود. هنگامی که عمانوئیل، عیسی، پسر داوود، در بیت لحم متولد شد، فرشتگان او را بشارت دادند و مورد تحسین قرار دادند؛ و تجسم شخص دوم تثلیث به عنوان پسر داوود، آغاز قیام غرفه افتاده داوود بود. و هنگامی که پسر داوود بر مرگ پیروز شد و شاگردان خود را با این کلمات مأمور کرد: «تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است»، او ادعای «حاکمیتی بسیار بزرگتر از آنچه داوود هرگز می‌دانست یا رویای داشتن آن را در سر می‌پروراند، داشت بنابراین، هنگامی که پطرس و دیگر حواریون اعلام کردند که خدا عیسی را برخیزانیده و «او را به دست راست خود بالا برده تا شاهزاده و نجات‌دهنده باشد»، اصرار داشتند که اعمال قدرتمندی که به آنها اجازه انجام آنها داده شده، اعمال مستقیم قدرت مطلق او از طریق آنها بوده است. بنابراین، آیه ۱۱ به عنوان سخنی در مورد ظهور اولیه مسیح، یعنی قیام خاندان سقوط کرده داوود توسط عیسی، تفسیر شد.

آیه ۱۲ چنین می‌گوید: «تا ایشان باقی‌مانده‌ای از ادوم و همه امت‌هایی را که نام مرا بر خود دارند، تصرف کنند.» خداوند می‌گوید: «تصرف باقی‌مانده‌ای از ادوم معادل «تغییر دین غیریهودیان» است. این بر اساس تغییر عبارت در نقل قول از متن عاموس در اعمال رسولان ۱۷: ۱۵ است که در آن به جای «تصرف ادوم»، «تا باقی‌ماندگان آدمیان خداوند را بجویند و همه امت‌هایی که نام من بر آنها خوانده می‌شود.» این تغییر مهم در عبارت به عنوان تفسیری عمدی و الهام‌بخش از متن عاموس تفسیر می‌شود که به وسیله آن، عبارت عهد عتیق به سطح بالاتری از معنا ارتقا می‌یابد. شما از تصرف باقی‌مانده‌ای از ادوم به سمت باقی‌مانده‌ای از انسان‌هایی که خداوند را می‌جویند، حرکت می‌کنید. با این حال، لازم به ذکر است که یعقوب از عبارت ترجمه هفتادگانی نقل قول می‌کند.

به آیات ۱۳ تا ۱۵ خواهیم پرداخت. آیات ۱۳ تا ۱۵ چنین می‌گویند: «خداوند می‌گوید: ایامی فرا می‌رسد که دروگر به شخمزن و کشاورز به پا کننده انگور خواهد رسید. شراب تازه از کوه‌ها خواهد چکید و از همه تپه‌ها جاری خواهد شد. من قوم تبعید شده خود اسرائیل را باز خواهم گرداند. آنها شهرهای ویران شده را بازسازی خواهند کرد و در آنها ساکن خواهند شد. آنها تاکستان‌ها خواهند کاشت و شراب آنها را خواهند نوشید. آنها باغ‌ها خواهند ساخت و میوه آنها را خواهند خورد. من اسرائیل را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، هرگز از سرزمینی که به آنها داده‌ام، ریشه کن نخواهند شد، خداوند می‌گوید.» از این دیدگاه تفسیری، ظهور اولیه و گرویدن غیریهودیان در آیه ۱۲ آمده است. آیات ۱۳ تا ۱۵ معمولاً به عنوان توصیفی از کلیسای مسیحی با استفاده از زبان مجازی در نظر گرفته می‌شوند.

بگذارید اینجا از صفحه ۱۹۲ کتاب لاچ بخوانم، جایی که او در مورد آیه ۱۳ می‌گوید: «شخمزن به دروگر و کسی که انگور را لگد می‌کند به کاشتر خواهد رسید.» او می‌گوید: «شخمزن که خاک را برای کاشت جدید آماده می‌کند، از دروگر پیشی خواهد گرفت. او با اشتیاق فراوان در حال جمع‌آوری محصول از دانه‌ای است که توسط بذرکار در خاکی که توسط شخمزن آماده شده است، کاشته شده است. از سوی دیگر، کسی که انگور را لگد می‌کند، از کسی که با پشتکار برای محصولات آینده بذر می‌پاشد، پیشی خواهد گرفت. به عبارت دیگر، این چه چیزی را نشان می‌دهد؟ در کلیسای مسیح، آمادگی و جستجوی بی‌وقفه برای بدعت، درو و برداشت در کلیسای مسیح وجود خواهد داشت، کار برای اعزام مبلغانی که کلام را موعظه می‌کنند، آماده شده است، که تا ابد ادامه خواهد داشت. و به همان اندازه، جمع‌آوری شادمانه بافه‌ها با آوردن نوکیشان به کلیسا مداوم خواهد بود.» و این به طور مداوم با متن عاموس انجام می‌شود، اما آیه ۱۵ می‌گوید: «من اسرائیل را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، که دیگر هرگز ریشه‌کن نخواهند شد.» این درباره چیست؟ با این اوصاف، آیه ۱۵ «زبان عهد عتیق برای پیشگویی‌های عهد جدید مانند یوحنا ۲۷: ۱۰ است که می‌گوید: «هیچ‌کس هرگز آنها را از دست من نخواهد گرفت.»، امنیت مؤمن «بنابراین، آیات ۱۳ تا ۱۵ با این روش تفسیر متن، معمولاً به صورت مجازی به عنوان توصیفی از کلیسا در نظر گرفته می‌شوند. آنتونی هوکما آنها را به عنوان توصیفی از وضعیت ابدی، به جای کلیسا، در نظر می‌گیرد، اما ممکن است کسی بپرسد که چرا بر اسرائیل تأکید شده است؟ «من اسرائیل را در سرزمین خودشان خواهم کاشت، قوم تبعیدی خود اسرائیل را باز خواهم گرداند؛ آنها شهرهای ویران شده را بازسازی خواهند کرد.»

من در بروشورهای شما آن را پررنگ کرده‌ام، برای مثالی از چگونگی استفاده دقیق از هرمنوتیکی که می‌تواند در مورد سایر متون نیز اعمال شود، به کتاب «کتاب مقدس و آینده» نوشته آنتونی هوکما مراجعه کنید. این موضوع اهمیت این متن خاص و کاربرد آن در عهد جدید است، زیرا مفسران این مکتب فکری اصول تفسیر خود را از آن استخراج می‌کنند. هوکما می‌گوید: «با این حال، پیشگویی‌هایی از این نوع

ممکن است به صورت مجازی نیز تحقق یابند. کتاب مقدس نمونه روشنی از این نوع تحقق را ارائه می‌دهد. من به نقل قول عاموس ۹:۱۱-۱۲ در اعمال رسولان ۱۴:۱۵-۱۸ اشاره می‌کنم. در شورای اورشلیم، همانطور که در اعمال رسولان ۱۵ گزارش شده است، ابتدا پطرس و سپس پولس و برنابا توضیح می‌دهند که چگونه خدا بسیاری از غیریهودیان را از طریق خدماتشان به ایمان آورده است. یعقوب، که ظاهراً ریاست شورا را بر عهده داشت، اکنون می‌گوید: «برادران، به من گوش دهید. شمعون [پطرس] روایت کرده است که چگونه خدا ابتدا از غیریهودیان دیدار کرد تا از میان آنها قومی برای نام خود بیرون آورد. و با این گفته پیامبران مطابقت دارد، همانطور که نوشته شده است:» پس از این، من باز خواهم گشت و خانه داوود را که فرو ریخته است، بازسازی خواهم کرد». من ویرانه‌های آن را بازسازی خواهم کرد و آن را برپا خواهم داشت تا بقیه مردم و همه غیریهودیانی که به نام من خوانده می‌شوند، خداوند را بجویند، خداوندی که این چیزها را از قدیم آشکار کرده است) «اعمال رسولان ۱۴:۱۵-۱۸ (یعقوب در اینجا سخنان عاموس ۹:۱۱-۱۲ را نقل می‌کند. انجام این کار او نشان می‌دهد که، به قضاوت او، پیش‌بینی عاموس در مورد برپا کردن خیمه یا چادر افتاده داوود)» در آن روز خیمه داوود را که افتاده است، برپا خواهم کرد («...همین حالا در حال تحقق است، زیرا غیریهودیان در حال جمع شدن در جامعه قوم خدا هستند. بنابراین، در اینجا ما نمونه روشنی از تفسیر مجازی و غیر تحت‌اللفظی از یک عبارت عهد عتیق در مورد احیای اسرائیل داریم... بنابراین، در اینجا می‌بینیم که خود عهد جدید پیشگویی عهد عتیق در مورد احیای اسرائیل را به روشی غیر تحت‌اللفظی تفسیر می‌کند. و سپس به نظر بعدی او توجه کنید». ممکن است که پیشگویی‌های دیگری از این دست نیز به صورت مجازی تفسیر شوند «...به عبارت دیگر، این یک نمونه کتاب مقدسی از این نوع تفسیر است، پس چرا آنها نمی‌توانند از این روش تفسیری برای سایر پیشگویی‌هایی که به آینده اسرائیل اشاره دارند استفاده کنند؟ حداقل ما نمی‌توانیم اصرار داشته باشیم که همه پیشگویی‌ها در مورد احیای اسرائیل باید به معنای واقعی کلمه تفسیر شوند.

تفسیر عاموس ۹:۱۱-۱۵

عاموس ۹:۱۲

حالا، بیایید کمی بیشتر به این سوالات تفسیری بپردازیم. کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که با نکته دوم، آیه ۱۲، در عاموس ۹ شروع کنم. من نکته اول را به آیه ۱۱، نکته دوم را به آیه ۱۲، و نکته سوم را به آیات ۱۳ تا ۱۵ تقسیم کرده‌ام. می‌توانید متن عاموس را به آیه ۱۱، آیه ۱۲، و آیات ۱۳ تا ۱۵ و نکات اول، دوم و سوم تقسیم کنید. من می‌خواهم ابتدا به نکته دوم بپردازم زیرا فکر می‌کنم نکته دوم، یعنی آیه ۱۲ از متن عاموس قلب موضوع است. بنابراین ابتدا به آن نگاه کنید، و فکر می‌کنم آیه ۱۲ نکته‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، ۹، است زیرا اولاً، نقل قول عهد جدید از آن، و ثانیاً فکر می‌کنم نتیجه‌ای که شما در مورد مسائل تفسیری در آیه ۱۲

عاموس می‌گیرید، تأثیرات مهمی در نحوه تفسیر آیه ۱۱ و همچنین آیه ۱۳ تا ۱۵ دارد. به عبارت دیگر، فکر می‌کنم اصل مطلب در آیه ۱۲ یافت می‌شود و تعیین می‌کند که در آیه ۱۱ و آیات ۱۳-۱۵ چه کاری انجام می‌دهید. (MT یا یاراش) (تصرف) (DSS و LXX دارش) (جستجو)

بنابراین با نگاه اول به آیه ۱۲، یک مشکل متنی وجود دارد. برخی از شما به این موضوع برخوردید. مقاله‌ای از سال ۱۹۵۳ در کتاب «رویکرد علمی به عهد عتیق» نوشته آلن مگری، به این متن از باب ۹ عاموس اشاره می‌کند. و چیزی که او به آن اشاره می‌کند چیزی است که دیگران نیز به آن اشاره کرده‌اند، این است که عبارت‌بندی در اعمال رسولان نقل قولی از ترجمه سبعینی است. به عبارت دیگر، وقتی یعقوب از عاموس نقل قول می‌کند، زبانی که او استفاده می‌کند با ترجمه سبعینی مطابقت دارد. این با متن ماسورتیک در باب ۹ عاموس مطابقت ندارد. آلیس نیز با این موضوع موافق است. با این حال، مگری در ادامه خاطر نشان می‌کند که اگر پیشگویی عهد عتیق به سطح بالاتری از معنا ارتقا یابد، همانطور که مفسران ناهزاره‌گر می‌گویند، این ترجمه سبعینی است که در ابتدا این کار را انجام داده است، نه یعقوب. مطمئناً نویسندگان ناشناخته ترجمه سبعینی را نباید الهام گرفته شده در نظر گرفت.

بنابراین چگونه می‌توانیم تفاوت بین ترجمه سبعینی و متن ماسورتی را توضیح دهیم؟ مگری پیشنهاد می‌کند که منطقی‌ترین پاسخ این است که ترجمه سبعینی و متن عبری در زمان شورای اورشلیم با هم مطابقت داشتند و عبارت‌بندی یکسانی در هر دو یافت می‌شد. اگر یعقوب از نقل قولی استفاده کرده بود که با آنچه اعضای شورا به عنوان نسخه اصلی عبری می‌دانستند متفاوت بود، چرا کسی نگفت «یک لحظه صبر کنید، یک نقل قول نادرست از عهد عتیق قرار نیست مبنای تصمیم‌گیری در مورد موضوع این شورا برای ما باشد»! چیزی که این که به هر حال، *yodh to daleth*، پیشنهاد را به ویژه امکان‌پذیر می‌کند این است که تغییر تنها یک حرف عبری به راحتی اشتباه گرفته می‌شود، یک متن اصلی عبری مطابق با ترجمه هفتادگانی ارائه می‌دهد، به علاوه دو حرف صدادار اضافه شده که ممکن است پس از زمان ترجمه هفتادگانی در متن عبری معرفی شده باشند. به (جستجو) (است، "تا مرا 'بجویند"؟) *darash* (دارنده) (است یا *yarash* عبارت دیگر، کلمه کلیدی در اینجا *daleth* به *yodh* را پیش‌فرض می‌گیرد، اگر آن *darash* (دارنده) *yarash* جستجو کردن "به جای" متن عبری است که در مقابل مترجمان هفتادگانی قرار گرفت. این *vorlage* تغییر داده شود. می‌بینید که می‌توانست متنی باشد که با نحوه نقل قول عهد جدید از عاموس سازگار باشد.

این پیشنهاد، و این چیزی است که مگری از آن آگاه نبود زیرا در مقاله به آن اشاره نشده بود، با که یکی از متون کتاب QFlor 1.12 مشاهده‌ی جی. د. وارد تقویت می‌شود که یکی از طومارهای دریای مرده 4 مقدس طومارهای دریای مرده نیست. این متنی است که گلچینی از متون را در بر می‌گیرد که حول وعده‌ی داوود در دوم سموئیل ۷ متمرکز است و اشاره‌ای به عاموس ۹:۱۱-۱۲ دارد. عبارت عبری دقیقاً با عبارت نقل شده در

در طومارهای دریای مرده، متنی عبری وجود QFlor 1.12 اعمال رسولان مطابقت دارد. به عبارت دیگر، با 4 دارد که با ترجمه‌ی اعمال رسولان از این آیه مطابقت دارد، نه با ترجمه‌ی متن ماسورتیکی عاموس. دی وارد و در اعمال رسولان ۱۵ و ۱۶ ما را مجبور QFlor I.12 اظهار می‌کند: «اگر بررسی دقیق آیات ۹ و ۱۱ در 4 به طرح این سوال نمی‌کرد، نیازی به طرح این سوال نبود. شکل متن نقل قول عاموس در اعمال رسولان با متن یکسان است.» ترجمه هفتادگانی در آیه ۱۶، QFlor ماسورتی و ترجمه هفتادگانی متفاوت است، اما دقیقاً با متن 4 نه آیه ۱۷، در اعمال رسولان آمده است. در طومارهای دریای مرده، به جای *یاراش* (*داشتن*)، *واژه داراش* (*جستجو کردن*) را داریم. به نظر می‌رسد این پیشنهاد وزن بیشتری دارد، زیرا اکنون شواهدی برای آن در طومارهای دریای مرده داریم.

اما ثانیاً، موضوع بحث در شورای اورشلیم چه بود و نبوت عاموس چگونه به این موضوع می‌پردازد؟ به عبارت دیگر، یعقوب چگونه استدلال خود را پیش می‌برد و به این نتیجه می‌رسد که آنها بر اساس این نقل قول از متن عاموس به شورای اورشلیم آمده‌اند؟ موضوع مورد بحث در شورای اورشلیم باید به وضوح درک شود. مسئله این نبود که آیا غیریهودیان می‌توانند مسیحی شوند یا خیر. این سوال قبلاً حل شده بود، به اعمال رسولان ۱: ۱- برگردید: «روح القدس بر آنها نیز مانند ما نازل شد.» مسئله این بود که آیا آن غیریهودیان که ایمان آورده ۱۸ بودند نیز باید ختنه شوند. یعنی آیا ابتدا باید برای پذیرفته شدن توسط کلیسا، نوکیش یهودی شوند؟ در اعمال رسولان ۱۵: ۵-۶ آمده است: «پس برخی از مؤمنان که به فرقه فریسیان تعلق داشتند، برخاستند و گفتند: غیریهودیان باید ختنه شوند و از آنها خواسته شود که از شریعت موسی اطاعت کنند.» حواریون و بزرگان برای «بررسی این سوال گرد هم آمدند. آیا ما باید این غیریهودیان را ختنه کنیم تا آنها را واجد شرایط عضویت در کلیسا کنیم؟ یعقوب برای حل این سوال از آیه عاموس نقل قول می‌کند. چه کسی باید ختنه شود؟ استدلال او به شرح زیر است.

ابتدا، او اشاره پطرس به ایمان آوردن کرنلیوس و خانواده‌اش را در آیه ۱۴ خلاصه می‌کند. به اعمال رسولان ۱۵ آیه ۱۳ مراجعه کنید: «چون سخنانشان تمام شد، یعقوب گفت: ای برادران، به من گوش دهید. شمعون شرح داده است که چگونه خدا ابتدا توجه خود را با برگزیدن قومی از میان غیریهودیان برای خود نشان داد.» و می‌بینید، پطرس برخاست، به آیه ۷ برگردید. او برخاست و خطاب به آنها گفت: «ای برادران، می‌دانید که مدتی پیش، خدا از میان شما برگزید که غیریهودیان پیام انجیل را از لبان من بشنوند و ایمان آورند. خدا که از دل‌ها آگاه است، با دادن روح القدس به آنها، همانطور که به ما داد، نشان داد که آنها را پذیرفته است. او هیچ فرقی بین ما و آنها قائل نشد، زیرا دل‌های آنها را با ایمان پاک کرد. پس چرا سعی می‌کنید خدا را با گذاشتن یوغی بر گردن شاگردان که نه ما و نه پدران ما قادر به تحمل آن نبودیم، بیازمایید؟ نه! ما معتقدیم که به لطف خداوند ما عیسی است که ما نجات یافته‌ایم، همانطور که آنها نجات یافته‌اند.» به همین دلیل است که یعقوب بلند می‌شود و می‌گوید:

شمعون شرح داده است که چگونه خدا در ابتدا با برگزیدن قومی از غیریهودیان برای خود، نگرانی خود را نشان « داد.»

به جزوه‌هایتان، عاموس ۹:۱۲ نقل قول در اعمال رسولان ۱۵ - نقل قول ساده، لزوماً نقل قول تحقق یافته نیست نکته ب، برگردید. سپس می‌گویید که سخنان عاموس با این موضوع مطابقت دارد. در واقع، او می‌گوید که سخنان انبیا با این موضوع مطابقت دارد و سپس از عاموس نقل قول می‌کند. او نمی‌گوید که متن عاموس موضوع خاصی را که پطرس توصیف کرد، یعنی تغییر کیش غیریهودیان و آغاز کلیسا، پیش‌بینی کرده است. باید به یاد داشته باشیم که موضوع مورد بحث در شورای اورشلیم این نبود که آیا غیریهودیان می‌توانند تغییر کیش دهند یا خیر؛ بلکه این بود که آیا غیریهودیان ملزم به ختنه شدن و رعایت شریعت موسی هستند یا خیر. منطقی نیست که بگوییم یعقوب پیشگویی عهد عتیق را نقل کرده است که می‌گوید غیریهودیان به مسیح خواهند رسید، و سپس از این نتیجه گرفته است که از آنجایی که عهد عتیق می‌گوید غیریهودیان به شناخت مسیح خواهند رسید، نیازی به ختنه شدن ندارند. چنین نتیجه‌گیری‌ای، سوالی را که مطرح می‌شد، مطرح می‌کند. تفسیری که مدعی است یعقوب آیه‌ای را نقل کرده تا ثابت کند که غیریهودیان تغییر دین خواهند داد، مستقیماً به مسئله ختنه نمی‌پردازد. از آنجایی که شورا موافقت کرد که توصیه یعقوب را بپذیرد، باید فرض کنیم که متنی که او نقل کرده به نوعی به مسئله ختنه پرداخته است. تفسیر ناهزاره‌ای، معمولاً، به این نکته توجه کافی ندارد. مسئله قطعیت این نیست که آیا غیریهودیان می‌توانند تغییر دین دهند - بله، آنها می‌توانند تغییر دین دهند - بلکه وقتی این اتفاق می‌افتد، آیا باید آنها را ختنه کنیم یا نه؟ اگر کسی فرض کند که متن عاموس در مورد پادشاهی آخرالزمانی و در مورد تحقق پس از شورای اورشلیم صحبت می‌کند، استفاده‌ای که یعقوب از این متن می‌کند معنای متفاوتی پیدا می‌کند.

توجه کنید که یعقوب در مورد ظهور پطرس می‌گوید: «شمعون اعلام عاموس ۹:۱۱ در اعمال رسولان ۱۵ کرده است که چگونه خدا در ابتدا با انتخاب قومی از غیریهودیان برای خود، نگرانی خود را نشان داد.» این جمله‌ای نسبتاً ناشیانه است. و همانطور که اینجا پررنگ نوشته‌ام، متوجه می‌شوید که «در ابتدا.» چرا او این را در ابتدا «قرار داده است؟ سپس آنچه را که پطرس به آنها گفته بود خلاصه می‌کند. وقتی یعقوب نقل قول از « بعد از این باز خواهم گشت و ... » (آیه ۱۶) عاموس را با ایمان آوردن غیریهودیان مرتبط می‌کند، می‌گوید دنباله «بعد از این» «یعقوب با» «در ابتدا» «در آیه ۱۴ مطابقت دارد و اصلاح واضحی از عبارت عبری عاموس است. به عبارت دیگر، همانطور که در اعمال رسولان می‌خوانید، یعقوب می‌گوید: «خدا ابتدا این را انجام ۹:۱۱ داد... بعد از این باز خواهم گشت.» بنابراین در اعمال رسولان این توالی وجود دارد، «در ابتدا» «سپس» «بعد از این.» «این اصلاح واضحی از عبارت عبری عاموس ۹:۱۱ است. در عبارت عبری عاموس ۹:۱۱، گفته نشده

است «بعد از این .» «عاموس ۹:۱۱ اینگونه آغاز می‌شود» :در آن روز برخیزانم «.وقتی یعقوب عبارت» در آن روز برخواهم خاست «را نقل می‌کند، آن را با عبارت» پس از این باز خواهم گشت و خیمه فروافتاده داوود را برپا خواهم کرد «جایگزین می‌کند . عبارت» پس از این باز خواهم گشت «نه در کتاب عبری عاموس و نه در ترجمه هفتادگانی آمده است . به نظر می‌رسد شکی نیست که یعقوب عمداً عبارت» پس از این باز خواهم گشت و خیمه فروافتاده داوود را برپا خواهم کرد «را جایگزین عبارت کلی زمانی که متن عاموس با آن آغاز می‌شود، کرده است . یعقوب این نقل قول را با قرار دادن آن در یک بازه زمانی خاص‌تر معرفی می‌کند

بنابراین، اگر خدا ابتدا غیریهودیان را برانگیخت و پس از آن باز خواهد گشت، این نیمه اول نیست، بلکه نیمه دوم است . علاوه بر این، همانطور که قبلاً اشاره شد، یعقوب نمی‌گوید که عاموس پیش‌بینی کرده بود که خدا از غیریهودیان دیدار خواهد کرد تا از آنها قومی برای نام خود برگزیند، اعمال رسولان ۱۴:۱۵ ب . زیرا او می‌گوید» :سخنان انبیا با این امر مطابقت دارد «.یعقوب نمی‌گوید که عاموس به طور خاص وقایعی را که پطرس توصیف کرده بود، پیش‌بینی کرده است، بلکه می‌گوید که عاموس، و این قلب آن است، زمانی را تصور می‌کند که چنین قومی از قبل وجود خواهد داشت

بنابراین، طبق گفته یعقوب، آنچه عاموس می‌گوید با این واقعیت که توسط پطرس و پولس ثبت شده است، مطابقت دارد که خدا «به دیدار غیریهودیان رفته تا از میان آنها قومی برای نام خود بیرون آورد .» «اگر کل متن با در نظر گرفتن این ملاحظات خوانده شود، درک ارتباط این متن با مسئله ختنه دشوار نیست . به نظر می‌رسد که برای اعضای شورا، استدلال کاملاً واضح بوده است . به یاد داشته باشید، مسئله در شورا این نبود که آیا غیریهودیان می‌توانند مسیحی شوند، بلکه این بود که آیا می‌توانند مسیحی شوند و غیریهودی باقی بمانند . بنابراین، نقل قول از عاموس باید به نوعی دلیل روشن و منطقی ارائه دهد که چرا شورا باید تصمیم بگیرد که ختنه شدن برای غیریهودیان جدید ضروری نیست . این کار را تنها در صورتی انجام می‌دهد که به عنوان توصیفی از وضعیتی که در زمان بازگشت مسیح برای برپایی پادشاهی خود وجود خواهد داشت، درک شود . اگر عاموس از این زمان آینده، زمانی که غیریهودیان وجود خواهند داشت که نام مسیح بر آنها خوانده می‌شود، صحبت نمی‌کند، بلکه صرفاً پیش‌بینی می‌کند که غیریهودیان نجات خواهند یافت، پس این پیشگویی هیچ ارتباط روشنی با مسئله ختنه ندارد

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری : کسانی که نقل قول از عاموس را به عنوان توصیفی از تأسیس کلیسا تفسیر می‌کنند، یکی از آنها «تفسیر مجازی از عاموس» «را به یعقوب نسبت می‌دهند، در حالی که در واقع او صرفاً متون صحیح عهد عتیق را نقل می‌کرد، همانطور که در نسخه‌های خطی طومار دریای مرده مشهود است، که متعاقباً تحریف شده

است. دوم، آنها نقل قول را به گونه‌ای برداشت می‌کنند که هیچ ارتباطی با سوال اصلی، یعنی اینکه آیا نوکیشان غیریهودی نیاز به ختنه شدن داشتند، ندارد. و سوم، آنها زبانی را که یعقوب با آن نقل قول را معرفی می‌کند، نادیده می‌گیرند، با حذف عبارت عاموس «در آن روز» «و جایگزینی» «پس از این باز خواهم گشت» «و به منظور اشاره به زمان خاصی که نبوت عاموس محقق خواهد شد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد که توالی وجود دارد، جایی که یعقوب می‌گوید: «خدا در ابتدا با در نظر گرفتن غیریهودیان به عنوان قومی برای خود، نگرانی خود را نشان داد» «که خلاصه‌ای از بحث پطرس در مورد گرویدن غیریهودیان است. و سپس می‌گوید کلام خدا با این موافق است. سپس به جای «در آن روز»، می‌گوید «پس از این»، «پس از این باز خواهم گشت». «پس از گرویدن غیریهودیان، من باز خواهم گشت. و هنگامی که بازگردم، همانطور که در آیه ۱۷ می‌بینید، غیریهودیان خواهند بود که نام مرا بر خود خواهند داشت. در آن روز غیریهودیان وجود خواهند داشت که نام خداوند بر آنها خوانده می‌شود. اگر غیریهودیان در زمان ظهور دوم مسیح که نام خداوند بر آنها خوانده می‌شود، وجود داشته باشند، بدیهی است که غیریهودیان نیازی به ختنه شدن ندارند. به نظر من، این مسیر استدلال است.

حال برگردیم. اگر این دیدگاه را از آیه ۱۲ در نظر بگیرید، مفاهیم مربوط به عاموس ۹:۱۱ و ۱۳-۹:۱۵ می‌تواند تفسیر آیه ۱۱ را به عنوان اشاره‌ای به پادشاهی آخرالزمانی مسیح در ظهور دوم به جای کلیسا در ظهور اول مسیح، به شدت تغییر دهد. و به نظر می‌رسد که در رابطه با آیات ۱۳-۱۵ نیز، این نشان می‌دهد که ما باید را به عنوان توصیفی از شرایطی که در آن زمان وجود خواهد داشت، بخوانیم، نه به عنوان توصیفی ۱۳-۱۵ مجازی از کلیسا. توجه کنید که جی. بارتون پین موضعی میانجی‌گرانه اتخاذ می‌کند. او آیه ۱۱ را به عنوان احیای نسل داوود در ظهور اولیه مسیح می‌داند. سپس تحقق عاموس ۹:۱۲ را به عنوان ورود غیریهودیان به اسرائیل، یعنی کلیسا، می‌بیند. او عبارت «بعد از این و من باز خواهم گشت» «در اعمال رسولان ۱۵:۱۶ را به معنای پس از تبعید و حفظ عاموس ۹:۹-۱۰ می‌داند. همچنین، این معادل عبارت عاموس، «در آن روز» «در متن عاموس است نه متن اعمال رسولان. حال به نظر من این خیلی منطقی نیست. به نظر من این متن اعمال رسولان است که می‌بینیم یعقوب عبارت را اصلاح کرده است». در ابتدا «و این» «بعد از من باز خواهم گشت» «متن اعمال رسولان است، نه متن عاموس. اما مردم در این مورد بحث می‌کنند. اما او با ۱۳-۱۵ چه می‌کند؟ او می‌گوید ۱۳-۱۵ توصیفی از رفاه هزاره هستند. بنابراین پین از ظهور اولیه مسیح به ادغام غیریهودیان در ارتباط با آن و تا سعادت هزاره آخرالزمان می‌پردازد. آیا این ضروری است؟ آیا این متن وحدتی را نشان می‌دهد؟

الدرز، که غیرهزاره‌ای است، بنابراین معمولاً انتظار دارید که تغییر مذهب عاموس ۱۳-۹:۱۵ غیریهودیان به عنوان توصیف مجازی کلیسا در اعمال رسولان ۱۳-۱۵ باشد، می‌گوید: «بنابراین نتیجه‌گیری

من این است که ما در عاموس ۱۱: ۹-۱۵ دو پیشگویی جداگانه داریم که مربوط به دو موضوع جداگانه هستند و در دو دوره کاملاً متفاوت تحقق می‌یابند. اولین (آیات ۱۱-۱۲) (اعلام حکومت مسیحایی سلسله داوود است. این با آمدن خداوند ما عیسی مسیح تحقق می‌یابد و تحقق آن در تغییر مذهب بت‌پرستان از طریق موعظه انجیل ادامه می‌یابد. دومی) آیات ۱۳-۱۵ (وعده بازگشت از تبعید است و در بازگشتی که توسط پادشاه پارسی کوروش مقرر شده است، تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، در دوره عهد عتیق تحقق می‌یابد. از نظر زمانی، آیات ۱۳-۱۵ زودتر از ۱۱ و ۱۲ خواهند بود «و او می‌گوید» : «با این رویکرد، من از یک سو با... مخالفم. من با این نظر مخالف بودم که «هزاره‌گرایی که آیات ۱۳ تا ۱۵ را به عنوان اشاره‌ای به بازگشت یهودیان به فلسطین در زمان مسیحایی می‌دانند، اما از سوی دیگر، مفسران غیر هزاره‌گرایی مختلفی که آیات ۱۳ تا ۱۵ را معنوی جلوه می‌دهند و کاملاً برخلاف معنای روشن کلمات، در اینجا مزایای معنوی‌ای را که مسیح به کلیسای خود می‌بخشد، می‌بینند.» به عبارت دیگر، او در پذیرش آن تفسیری که بتواند کلیسا را در آیات ۱۳ تا ۱۵ بیابد، مشکل دارد. ما نوعی زبان تحت‌اللفظی داریم: دروگر، شخمزن، قوم تبعیدی من اسرائیل را بازگردان، اسرائیل را در سرزمین خودشان بکار، تا دیگر هرگز ریشه‌کن نشوند. او می‌گوید «: نه این ایده درست است و نه آن ایده «به عبارت دیگر، هزاره یا روحانی. ما فقط می‌توانیم حق مطلب را در مورد کلمات به همان شکلی که اکنون هستند ادا کنیم، اگر هر دو پیشگویی را) مطابق با آنچه اغلب در پیشگویی‌ها دیده می‌شود (از هم جدا نگه داریم و اولی را به عنوان اشاره‌ای به مسیح، اما دومی را به عنوان بازگشت اسرائیل از اسارت بابل درک کنیم. می‌توانید ببینید که او با چه چیزی دست و پنجه نرم می‌کند؟ او با مشروعیت برداشت مجازی از آیات ۱۳ تا ۱۵ و اعمال آن به کلیسا دست و پنجه نرم می‌کند. آیا این حق مطلب را در مورد زبان آیات ۱۳ تا ۱۵ ادا می‌کند؟ او می‌گوید: «نه».

خب، پس گزینه او چیست؟ ببینید، از دیدگاه او، هیچ دوره هزاره‌ای وجود ندارد، بنابراین اگر قرار است آن را به معنای واقعی کلمه بخوانید، باید بازگشت از تبعید بابلی باشد. اما این به همان اندازه که مشکلات را حل می‌کند، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند، زیرا اولاً، جریان متن به چیزی قبل از آن برمی‌گردد. و ثانیاً، کلمات "من آنها را در زمینی خواهم کاشت که دیگر هرگز ریشه‌کن نشوند"، اما آنها پس از بازگشت از تبعید دوباره ریشه‌کن خواهند شد. بنابراین، می‌بینید که او در کجا مشکل دارد، اما پاسخ خوبی ارائه نمی‌دهد.

من فکر می‌کنم رویکردی که من پیشنهاد می‌کنم ما را به ظهور دوم می‌برد و نه به عنوان نوعی: پیشنهاد وانوی اشاره به گرویدن غیریهودیان در آیه ۱۲، بلکه صرفاً به عنوان جمله‌ای در آن زمان به عنوان اشاره‌ای به بازگشت دوم مسیح". غیریهودیانی خواهند بود که نام من از آنها نامیده می‌شود "به این معنی است که ما مجبور نیستیم غیریهودیان را ختنه کنیم، زیرا وقتی مسیح بازگردد، همه ما غیریهودی خواهیم بود که نام مسیح بر آنها خوانده می‌شود. و اگر اینطور است، چرا الان می‌خواهیم این افراد را ختنه کنیم؟ این یک متن پیچیده است و انبوهی از

مسائل تفسیری وجود دارد. آنچه در اینجا می‌آید به نظر من چندان مهم نیست، فقط بحث‌های اضافی در مورد دیدگاه‌های مختلف است.

رونویسی شده توسط جرد کوپرز
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط کیتی الز
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت